

فاصله دو کوچ مستندی غمگین!

شانت باغرام

مستند فاصله دو کوچ ساخته رویرت صافاریان، شرح زندگی و کار شاعر، مترجم و استاد دانشگاه آزاد ماتیان، اندیشمند ارمنی - ایرانی است. مستند فاصله دو کوچ مستندی است غمگین! غمگین بودن اولین صفتی است که با دیدن این مستند به ذهن متبادر می شود. حال آن که غمگین بودن به این معنا نیست که ماتیان خوشبخت زندگی نکرده یا حاصل عمرش کم نتیجه بوده است. درهرحال مستند فاصله دو کوچ که سندی است از زندگی آزاد ماتیان از دید مستندساز هم زبان او بیش از حد غمگین است و صافاریان این غم را به خوبی به تصویر کشیده است.

مستند با شعری از آزاد آغاز می شود که "... خانه ام را همانند لاک پشتی به پشتم حمل می کنم / نه! همانند شاعری خانه ام درونم است/ و اغلب راهم را گم می کنم/ این اشعار جان مایه زندگی آزاد است. او شاعر است، اندیشمند، دغدغه دارد و می خواهد احساس تعلق کند. ولی ... و جواب این ولی زندگی اوست و مستند فاصله دو کوچ.

در پلان اول مستندسازان راهی اصفهان هستند و گوینده می گوید " ...راهی اصفهان هستیم تا فیلمی درباره ماتیان استاد دانشگاه شاعر و مترجم بزرگی بسازیم که بعید است او را بشناسید... " و این پیش در آمد تلخی است برای یک هنرمند و یک اندیشمند زیرا او را نمی شناسند، نه برای این که کارهایش مهم نیست بلکه برای این که او به زبان کهنی می نویسد (زبان ارمنی) که در دنیا بیش از ۱۰ میلیون انسان این زبان را نمی دانند. ارمنیانی که در کشوری ۳ میلیونی زندگی می کنند و ۷۰ درصدشان در خارج از مرزهای سیاسی ارمنستان روزگار می گذرانند. ۷۰ درصد ارمنیان در دیاسپورا هستند و هویت و فرهنگ خاص خود را دارند. دیاسپورا کلمه ای است که ده ها بار در مستند خواهید شنید. ارمنیان قومی هستند که برای دیگران خوبند و نه برای خودشان. ارمنیان در یک جا نمی مانند. آن ها به سرزمینی می آیند، سکنی می گزینند. مدرسه و کلیسا می سازند در زندگی فرهنگی و اجتماعی میزبانانشان شرکت می کنند، محبوب می شوند. سرزمینی را که به آن آمده اند را مانند سرزمینشان دوست می دارند و بعد می روند... کوچ می کنند.

این بخشی از هویت آرامنه است. این از اولین جمله های مهم ماتیان در مستند است. مستند دو کوچ داستان ماتیان به تنهای نیست داستان قومی است که به ایران آمده اند و با ایران زندگی کرده اند و آن را دوست می دارند و حال دارند می روند.

ماتیان به ادبیات علاقمند می شود به فرانسه می رود و در آن جا فارغ التحصیل می شود، ازدواج می کند، صاحب پسری می شود و به ایران بازمی گردد و در دانشگاه اصفهان به تدریس زبان و ادبیات ارمنی می پردازد. در میان سالی او اندیشمند جا افتاده ای است و خود را متعلق به جامعه ارمنی-ایرانی می داند. تمام این دست آوردها نشان دهنده زندگی پربار پیش رو است.

در همان اوان، مستند به درگیری های سیاسی اجتماعی جامعه آرامنه می پردازد. تاثیرات انقلاب ایران، فروپاشی شوروی بر مناقشات جامعه آرامنه در ایران، مورد بحث با آزاد قرار می گیرد. اما فارغ از بحث ها و استدلال ها، خطاها و خبط ها ماتیان در میان این مناقشات است و این نشان می دهد که برای او زندگی اجتماعی آرامنه ایران مهم است. او به امید آینده بهتر فعالیت های سیاسی - اجتماعی انجام می دهد. او ایران را خانه خود می داند و ارمنیان ایران را خانواده اش. حال جالب اینجاست که او در این برهه زمانی کتاب "گل های کویر" را می نویسد. کتاب شعری با طعم یاس فلسفی که از عنوانش داستانش معلوم است.

شاعر سعی در ایجاد گلستانی دارد اما در کویر ... و واضح است که در کویر گلی نخواهد رویید. آزاد در گل های کویر می گوید " من همواره از آخر خط سخن می گویم/ از خستگی .../" و این خستگی ناشی از شرایط است. انسانی که به قول تولستوی همواره از نیروهای قوی تر، ضعیف تر است.

داستان کودکی و نوجوانی آزاد که با پایان جنگ جهانی دوم، برگشت آرامنه به موطنشان تحت برنامه نرگاکت، قطع برنامه برگشت به ارمنستان و منتقل شدن خانواده او به خوزستان و کار پدرش در شرکت نفت، همه و همه نشان می دهند که چگونه اتفاقات و جریان های تاریخی اجتماعی، زندگی انسان ها را تغییر می دهند و جریان ها قوی تر از برنامه ها و دل خواسته های هر شخص است.

اگرچه آزاد با تلخی روزگار با چهره دیگر خویش به مبارزه برمی خیزد ولی داستان پایان غم انگیزی دارد. آزاد "زادور اوقلی" را خلق می کند. زادور اقلی نام مستعاری است که ماتیان برای نوشته های طنز خود انتخاب می کند. طنزی که تلخ است. خبط ها و اشکالات جامعه خویش را با طنز و خنده نمایان می کند. تئاتر "داماد امریکایی" نوشته ماتیان به زندگی آرامنه ای که دخترانشان قصد ازدواج با مستشاران امریکایی و سودای رفتن را دارند، می پردازد. "داماد امریکایی، تئاتری است ضد غربی و با زبان طنز و تیز خود به انتقاد جامعه ارمنی می پردازد که می خواهد برود. غافل از آن که دهه های بعد خود زادور اقلی باید چمدانش را ببندد. ماتیان فقط یک نفر نیست بلکه او دو نویسنده و دو اندیشمند است. ماتیانی که گل های کویر را می نویسد و دیگری ماتیانی که زادور اقلی می شود. اگرچه در هر دو آن ها اندوهی آشکار است در یکی مستتر در شعرهایش و در دیگری در طنزهای های نکته سنجش.

البته ماتیان ابزار قدرتمند دیگری را نیز برای مبارزه با ناملایمات زندگیش دارد و آن عشق است. "آهنگ های بی انقطاع" به عنوان مجموعه از شعر عاشقانه می گوید. "... گوش کنی، این عشق است که سخن می گوید..." و این عشق در کارهای هنرمندانه ماتیان، در خلق آثارش، در درس دادنش، در احساس تعلقش نسبت به زبان ارمنی، دانشگاه و فرهنگ سرزمینش، در عشقش به خیام و حافظ نمایان است. در مستند فاصله دو کوچ نه به صراحت بلکه در لابه لای حرف ها و صحنه های فیلم، این عشق را می توانید بیابید.

فاصله دو کوچ با قطعاتی به هم پیوسته از زندگی ماتیان زندگی او را باز می آفریند و بیننده با جمع و کم رویداد های زندگیش می خواهد این نتیجه گیری را کند که "زندگی ماتیان مانند زندگی اندیشمندان دیگر از رویدادهای تلخ و شیرین آکنده است و در مجموع همه چیز در تعادل پیش می رود". اما این تمایل بیننده با سه سکانس متفاوت اندوه را پیروز می گرداند.

سکانس اول: سقوط هواپیمای تهران-ایروان و مرگ سرنشینان آن و مرگ ماسیس برادر آزاد، دوباره یادآور می شود که آری نیروهای قوی تر بر انسان ضعیف حکمرانی می کنند. چقدر تلخ است " ... ناگه درم را کوفتند... گشودم/درد بود/ رخصت می دهی در آیم/... تنها منم که به تو وفادارم..."

سکانس غم انگیز دوم رابطه ماتیان با ارمنستان است. ارمنستان به عنوان سرزمین آمال و آرزوهایش چهره ای دیگر می یابد. پس از استقلال ارمنستان ماتیان ۶ ماه در آن جا زندگی می کند و می بیند که آن چه تصور می کرد و آن چه هست با هم متفاوتند. بیست سال پس از آن ماتیان ناامیدیش را از ارمنستان در جمع دوستانش و بر میز شام و شادی بیان می کند.

سکانس سوم: آزاد باید برود! آن ها تصمیم گرفته اند که به امریکا بروند چون تنها فرزندشان به گلندل مهاجرت کرده است و آن ها دل تنگ اویند. از او سوال می شود که چرا می رود؟ در مورد شغلش چه اتفاقی می افتد؟ آیا می داند که آن جا چه در انتظار اوست؟ غمی که در نگاه اوست عمیق است و متفاوت. از چشمهایش فغان می بارد. می داند که چه می شود. ماتیان اندیشمند و

باهوش می داند که در امریکا بیشتر در انزوا خواهد بود. می داند که او متعلق به مفهوم ایرانی - ارمنی است. شاعر و مترجمی که نارگاتسی، حافظ و خیام را به فارسی و ارمنی ترجمه کرده است. او در گلندل چه خواهد کرد؟

صحنه آخرفیلم، صحنه ای از دانشگاه اصفهان نیست، صحنه ای از کتاب های نوشته و ترجمه شده آزاد ماتیان نیست. صحنه گفتگوی اینترنتی آزاد است با پسرش که در امریکا منتظر اوست. صحنه صفحه کامپیوتری است که هیچ هویتی ندارد. صحنه پسر ماتیان است که کوچ کرده ای است به دنبال زندگی بهتر. نسل های بعدی ماتیان داستان کوچ دیگری خواهند داشت. داستانی متفاوت با طعمی متفاوت و تعلقاتی متفاوت.

مستند فاصله دو کوچ تنها داستان کوچ ماتیان نیست داستان زندگی ارامنه در ایران است از جلفا تا گلندل. ارامنه ای که با زندگی در ایران هم ایرانی اند و هم ارمنی. شادی ها و غم هایشان دو طعم دارد. طعم دودوک و سه تار. شعرهایشان دو طعم دارد طعم چارنتس و شاملو و آن ها می روند به هزار و یک دلیل درست و نادرست. به هزار و یک دلیل خواسته و ناخواسته. ... و این به شدت غمناک است.